

## تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری ابوعلی مسکویه

الهام شیرین زبان آذر<sup>۱</sup>

### چکیده

تاریخ‌نویسی ایرانیان از زمان کهن تا سالهای حکومت قاجارها، به جز استثناهای نادر، روایت اغراق-گونه، غیر انتقادی و غیر تحلیلی و تعلیلی سرگذشت پادشاهان و سیاست و جنگهای آنها برای جهانگیری و جهانداری بوده است. ابوعلی مسکویه، فیلسوف و مورخ دوره حکومت آل بویه، از معدود مورخانی است که ضمن انتقاد از چنین شیوه‌ای، استفاده از خرد در سنجش حوادث تاریخی و بررسی انتقادی و تعلیلی آنها را مدنظر قرار داده و خواسته است اثر متفاوتی بیافریند. بررسی میزان موفقیت مسکویه در خلق اثر مورد نظر خویش که در آن فاصله میان بینش تاریخی و روش تاریخ‌نویسی وی به حداقل رسیده باشد، موضوعی است که در این تحقیق مورد پژوهش قرار می‌گیرد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، اگر چه مسکویه در تألیف مهمترین اثر تاریخی خود-تجارب الامم-، با پرداختن به علل وقوع حوادث، تجزیه و تحلیل آنها بر اساس عقل و منطق و پرهیز از اغراق و چاپلوسی، اثر متفاوتی را آفریده است ولی در بها دادن به حوادث سیاسی و نظامی و عدم توجه به اجتماع، اقتصاد و فرهنگ، به همان راه پیشینیان رفته و نتوانسته است فاصله بین دیدگاه-هایش در مقدمه و عملش در تاریخ‌نویسی را کاملاً از بین ببرد.

**واژه‌های کلیدی:** ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، تاریخ‌نگری، تاریخ‌نگاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

<sup>۱</sup> . کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه الزهراء.

## Historicism and Historiography Abu Ali Maskouee

### abstract

The history of Iranians from ancient times to the Qajar dynasty, with the exception of rare exceptions, has been an exaggerated, non-critical, non-analytical and pedagogical account of the history of the kings and their policies and wars for Jahangiri and Jahandari. Abu Ali Meskouei, a philosopher and historian of the Al Boyah government, is one of the few historians who criticize such a method, considering the use of reason in measuring historical events and critically examining them, and has asked for a different effect. Investigating the success of Maskway in creating his own work, in which the distance between historical insight and his historiography method is minimized, The subject matter of this research is being investigated. The result of this research shows, Although Maskvoyh has created a different work in the compilation of his most important historical work, addressing the causes of events, analyzing them based on reason and avoiding exaggeration and flattery. But in treating the political and military events and not paying attention to society, economics and culture, he has gone the same way past and has not been able to completely eliminate the distance between his views on the introduction and practice of historic writing.

**Key words:** Abu Ali Meskoveh, Experiences of Alam, Historiography, Historiography.

### مقدمه

ابوعلی مسکویه شاعر، ادیب، ریاضی‌دان، فیلسوف و متکلم قرن چهارم هجری، از نخستین مورخان ایرانی است که از نگارش روایت گونه تاریخ که طبری و هم‌قطارانش آن را دنبال کرده‌اند، انتقاد کرد و در تألیف «تجارب الامم»، خرد را ضابطه سنجش و تحلیل حوادث قرار داد. او در این کتاب به وقایعی پرداخت که امکان وقوع آنها با عقل سازگار است و - به زعم وی - دانستن آنها فایده‌ای را برای انسانها به همراه داشت. به همین دلیل از نوشتن حوادث خارق‌العاده و معجزات پیامبران که

ماوراء طبیعی بوده و سنجش علل وقوع آنها با عقل انسان امکان پذیر نبود و در نتیجه، فایده‌ای از آن مستفاد نمی‌شد، پرهیز کرد. همین عوامل، اثر او را متفاوت و متمایز از آثار دیگر مورخان پیشین و زمانه‌اش ساخت. و سبب شد که عده‌ای او را هم‌ردیف ابن خلدون قلمداد کرده و نخستین مورخ ایرانی بدانند که به فلسفه تاریخ پرداخت. پژوهش حاضر در صدد است با بررسی بینش تاریخی و شیوه تاریخ‌نویسی مسکویه، نشان دهد وی در کاربردی کردن دیدگاه‌های خود در تاریخ‌نویسی و از بین بردن فاصله بین نظر و عمل تا چه اندازه موفق بوده است و اثر او در آن دوره تاریخی و در قیاس با سایر آثار تاریخی چه اهمیتی داشته است.

بررسی تفکر تاریخی و شیوه تاریخ‌نگاری هر مورخی، بدون توجه به زندگی فردی و اجتماعی وی و زمانه‌ای که در آن نشو و نما یافته و به ارائه دیدگاهها و خلق آثار پرداخته، کاری عبث و بیهوده است. بر همین اساس، پرداختن به زندگی و زمانه ابوعلی مسکویه، به عنوان مقدمه‌ای جهت بررسی بینش و روش تاریخ‌نگاری او، لازم و ضروری می‌نماید. لذا در این پژوهش ابتدا فصلی کوتاه در باره زندگی مسکویه و زمانه او که از آن به عنوان «عصر رنسانس اسلامی» (متز، ۱۳۶۴، ۹/۱) یاد کرده‌اند، نوشته می‌شود. سپس دیدگاه‌های او درباره تاریخ و تاریخ‌نگاری مطرح می‌گردد و در نهایت، شیوه مسکویه در تاریخ‌نویسی و انطباق آن با تاریخ‌نگری وی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### زندگی و زمانه ابوعلی مسکویه

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه در ربع اول سده چهارم هجری در شهر ری متولد شد. در باره نام، تاریخ تولد و مذهب وی اختلاف نظر هست. عده‌ای به خطا او را «ابن مسکویه» نامیده‌اند (ابوسلیمان سجستانی، ۱۹۷۴م، ۳۴۶؛ بیرونی، ۱۳۷۰، ۸۳) در حالی که ابوعلی در مواضع متعددی، خود را «ابوعلی مسکویه» خوانده است. معاصران و دوستانش نیز «مسکویه» را به عنوان او، نه پدر و جدش دانسته‌اند. (ثعالبی، ۱۳۵۳ق، ۹۶/۱)

سال تولد مسکویه را ۳۲۰، ۳۲۵ و ۳۳۰ ه.ق نوشته‌اند. مسکویه خود در تجارب الامم در آغاز گزارش رویدادهای سال ۳۴۰ به «طول مصاحبت و کثرت مجالست» با ابومحمد مهلبی، وزیر معزالدوله بویه (ف ۳۵۲) اشاره کرده است و در حوادث سال ۳۴۱ هجری می‌گوید: «من در آن هنگام ندیم او بوده‌ام». (ابوعلی مسکویه، ۱۶۳/۶، ۲۰۶ و ۲۴۷) بعید است که مسکویه در آن تاریخ کمتر از ۲۰ سال داشته باشد. بنابراین، او می‌بایست در حوالی سال ۳۲۰ زاده شده باشد.

یاقوت حموی، مسکویه را مجوسی نو مسلمان خوانده است (یاقوت، معجم‌الادبا، ۱۰/۵ به نقل از امامی، ۱۳۷۹، ۴۹) اما با توجه به نام پدر و جد وی - محمد و یعقوب - عبارت آغازین تجارب الامم «سپاس خدای راست پروردگار جهانیان که سپاسگذارانه‌اش می‌ستاییم و درودهای او را بر پیامبرش محمد و دودمان پاکش می‌فرستیم» (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۵۱/۱)؛ اظهار ارادت ویژه به امامان

شیعه در مواضع مختلف تجارب الامم و تأکید نویسندگان متأخرتر (شوشتری، ۱۳۶۵، ۱۸۹/۲)، مسکویه به احتمال زیاد مسلمان شیعه بوده است.

دوران زندگی طولانی ابوعلی مسکویه که حدود یک قرن به طول انجامید، با دوره حکومت خاندان آل بویه و اوج شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم هجری همزمان بوده است. در این دوره قدرت دستگاه خلافت عباسی به ضعف گرایید و سلسله‌های مستقل و نیمه-مستقل سامانیان، بویهیان، حمدانیان و ... در گوشه و کنار جهان اسلام سر بر آوردند و در تأسیس مراکز و مجالس علمی و فرهنگی و جذب دانشمندان و ادیبان به دربارهای خویش، با یکدیگر به رقابت پرداختند. ابوعلی مسکویه از جمله دانشمندی بود که در بسیاری از این مراکز علمی همچون ری، بغداد و اصفهان حضور داشت و با دانشمندی چون ابن سینا (۳۷۳-۴۲۸ ه.ق)، ابن-الخمار (متولد ۳۳۱ ه.ق) بدیع‌الزمان همدانی (متوفای ۳۹۸ ه.ق)، ابوبکر خوارزمی (متوفای ۳۸۲ ه.ق)، ابوحنیفه (متوفای ۳۲۰-۴۱۴ ه.ق)، ابومنصور ثعالبی (۳۰۵-۴۲۹ ه.ق) ابوسلیمان سجستانی (متوفای ۳۹۱ ه.ق) و وزیران و امیران دانشمندی مثل ابومحمد مهلبی، ابوالفتح بن عمید، ابوالفضل بن عمید، عضالدوله و ... داد و ستد فکری و فرهنگی داشت و از منابع فراوان کتابخانه‌های دربارها استفاده می‌کرد. از این رو می‌توان گفت، مسکویه و آثار وی منبع دست‌اولی برای بررسی روزگاری است که از لحاظ سیاسی، عصر تجزیه فرمانروایی خلفای عباسی و ظهور سلسله‌های مستقل در جهان اسلام و از لحاظ علمی و فرهنگی اوج شکوفایی و عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی بود که از آن به عنوان «رنسانس اسلامی» یاد کرده‌اند. (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۲۰/۱-۲۱)

ابوعلی مسکویه پس از گذراندن دو دهه اول زندگی در زادگاه خویش، راهی بغداد شد و در مجالس درس ابوسلیمان سجستانی و ابو محمد مهلبی شرکت کرد و مصاحب و ندیم خاص وی گردید. مهلبی بنا بر نقل مسکویه در ۲۷ رجب ۳۵۲ در حمله به عمان با زهری که به او خورنده شد به قتل رسید و بعد از سیزده سال و سه ماه وزارت، از صحنه قدرت حذف شد. (ابوعلی مسکویه، ۱۳۷۶، ۲۶۹/۶)

مسکویه بعد از وفات بزرگترین حامی‌اش در مرکز خلافت، بغداد را به قصد ری که در این زمان با آن شهر رقابت می‌نمود، ترک کرد. درباره علت این مهاجرت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- آزار مخالفان مهلبی و خود مسکویه. ۲- جاذبه‌های شخصیت فرهنگی و سیاسی ابن عمید که یکی از بزرگان و دانشمندان عصر بود و در ری حضور داشت. ۳- کار در کتابخانه بزرگی که ابن عمید آن را در سال ۳۵۵ هجری گسترش داده بود و در آن حدود یکصد چارپا یا بیشتر کتاب در همه گونه دانش، حکمت و ادب وجود داشت. (ابوعلی مسکویه، ۱۳۷۶، ۲۷۷/۶-۲۷۸) ۴- علاقه به علم کیمیا و آشنایی با ابوطیب رازی که در این علم متخصص بود.

مسکویه در نزد ابوالفضل بن عمید به عنوان خازن کتابخانه، ندیم و مربی فرزندش ابوالفتح خدمت می‌کرد. با توجه به شیفتگی وی نسبت به ابن عمید، تأثیر سلوک، دانش و عمل سیاسی ابن عمید

بر او زیاد بوده است. وی در مدت هفت سالی که در مناصب مذکور خدمت می‌کرد از دانش ابن عمید و کتابخانه او بهره فراوان برد. در واقع، مواد اولیه تألیفاتی را که سالها بعد به رشته تحریر در آورد، از این طریق کسب نمود. (روزبهانی، ۱۳۸۵، ۵۰).

بعد از مرگ ابوالفضل بن عمید پسرش ابوالفتح به وزارت رکن‌الدوله رسید. او از سال ۳۶۰ تا ۳۶۶ وزارت داشت و ظاهراً مسکویه در این مدت همچنان خازن و ندیم او بوده است. بعد از مرگ رکن‌الدوله در سال ۱۳۶۶ مؤیدالدله، حاکم ری، به دستور برادرش عضدالدوله، امیرالامرای جدید خاندان بویه، ابوالفتح را به قتل رساند. با قتل او، مسکویه احتمالاً به دلیل ناسازگاری با صاحب بن عباد، وزیر مویدالدوله، آشنایی با عضدالدوله و استفاده از مجالس پر رونق علمی و فرهنگی بغداد، به دربار عضدالدوله در بغداد رفت و خازن کتابخانه، ندیم، سفیر و از کارگزاران ویژه او شد و از خود عضدالدوله، مجالسی که در دربار او برپا می‌شد و کتابخانه‌های بغداد استفاده فراوان برد. (قمی، ۱۳۵۵، ۲۲۵/۱-۳۳۶؛ ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۵۱/۱) مسکویه نوشتن تجارب الامم را در همین زمان شروع کرد و قصد داشت آن را به عضدالدوله پیشکش کند ولی مرگ زودهنگام عضدالدوله در ۳۷۲ ه.ق ادامه و اتمام کتاب را به سالهای بعد از مرگ عضدالدوله موکول کرد.

ابوعلی بعد از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش صمصام‌السلطنه رسید و از ندیمان و اعضای مجلس ابن سعدان وزیر او شد. او قسمت اعظم آثار و نوشته‌هایش را در مدت ده ساله بین ۳۷۲ تا ۳۸۲ به نگارش درآورد و به لحاظ موقعیت علمی و اجتماعی به چنان درجه‌ای رسید که سجستانی معرفی کامل وی را به نگارش رساله‌ای جداگانه حواله داد. (روزبهانی، ۱۳۸۵، ۸۲) با مرگ ابن سعدان و پایان مجلس او، اطلاعات ما در مورد زندگی مسکویه محدود می‌شود. تا این حد اطلاع داریم که او از بغداد به ری رفته و در اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم، به دلیل مخالفت‌های ابوالعباس ضبی، وزیر فخرالدوله و مجدالدوله با او، اوضاع نابسامان ری و به خصوص جذابیت‌های فضای علمی اصفهان که در نتیجه تلاش‌های ابن کاکویه به وجود آمده بود، رهسپار اصفهان شد و تا زمان فوتش در نهم صفر ۴۲۱ در محله خواجه سکونت داشت و بعد از فوتش در همان شهر و احتمالاً در همان محله مدفون گشت. (خوانساری اصفهانی، ۲۵۳۶، ۴۴۶/۱-۴۴۷؛ نوری، ۱۳۷۹، ۱۵۲-۱۵۳)

استادان ابوعلی مسکویه به درستی شناخته نیستند. درباره آنها همین قدر می‌دانیم که او تاریخ طبری را نزد ابواحمد علی بن کامل قاضی از شاگردان طبری، کیمیا را نزد ابوطیب رازی، علوم اوایل را نزد ابن خمار خوانده است. (حلبی، ۱۳۶۵، ۱۳۰)

نویسندگان متقدم و متأخر نزدیک به ۳۰ اثر شامل کتاب، رساله، قطعاتی از اشعار تازی و وصایا، از ابوعلی مسکویه برشمرده‌اند که از مشهورترین آنها می‌توان به «تهذیب‌الاخلاق» در فلسفه اخلاق، «جاویدان خرد» در فلسفه عملی و «تجارب‌الامم» در تاریخ اشاره کرد.

### تاریخ‌نگری یا دیدگاه مسکویه در مورد تاریخ

رویکرد ابوعلی مسکویه به تاریخ مبتنی بر تجربه‌اندوزی و پندگیری از آن است. بدین معنی که او در تاریخ بیش از هر چیز به جنبه عبرت‌آموزی توجه دارد و تاریخ را مشحون از حوادثی می‌داند که همتایش در آینده رخ خواهد داد؛ چون کارهای جهان همانند و در خور یکدیگرند. کسی که با مطالعه تاریخ از رویدادهای گذشته آگاهی پیدا می‌کند، گویی خود در زمان آن حوادث زیسته و همگی را تجربه کرده است. بنابراین در برخورد با رویدادهای مشابهی که در آینده روی می‌دهد، از تجارب گذشته استفاده می‌کند اما کسی که از امور گذشته آگاهی نداشته و پیش‌آمدها را جز پس از روی دادن باز نشناسد، در برابر دشواریها سرگشته و بی‌خود می‌گردد.

بنابراین، از نظر مسکویه حوادثی ارزش ثبت و انتقال دارند که بتوان در پیش‌آمدهای نیک و بد آینده از آنها پند و عبرت گرفت. از این رو، حوادث قبل از طوفان نوح که ارزش تاریخی ندارند و نمی‌توان صحت و سقم آنها را با عقل سنجید؛ اسطوره‌ها و افسانه‌ها که سودشان جز خواب آوردن و سرگرمی نیست و نیز معجزات پیامبران که مربوط به امور ماوراء طبیعی و خارج از اراده و تجربه بشر هستند و نمی‌توان از نتایج آنها استفاده کرد، فرو گذاشته شده‌اند. (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۵۳) ملاک و معیار مسکویه برای سنجش ارزشمندی و پندآموز بودن حوادث، دانش و خرد اوست. وی با کمک عقل و دانش خود به گزینش و ثبت رویدادهایی می‌پردازد که همانند آن در آینده اتفاق خواهد افتاد و استفاده از نتایج رویداد قبلی برای نحوه برخورد با رویداد بعدی مفید خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۹۳)

ابوعلی مسکویه همانند سایر مورخان اسلامی، مشیت الهی را حاکم نهایی تمام امور عالم می‌داند. او هر چند انسانها را دارای خواست و اراده‌ای می‌داند که رویدادها را می‌آفریند ولی خواسته آنها زمانی محقق می‌شود که از طرف خدا مورد حمایت قرار می‌گیرد. از نظر مسکویه «از پیش‌آمد بد جز به یاری خدا، برکنار نتوان بود، و به پیش‌آمد نیک، جز به کارسازی او امید نتوان داشت.» (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۵۳)

مسکویه به بخت و اقبال نیز اعتقاد دارد. به عقیده او بعضی از رویدادها نه به اراده و خواست کسی، بلکه به صورت شانسی و اتفاقی روی می‌دهد و پندی از آنها نمی‌توان گرفت. هر چند آوردن آنها در تجارب‌الامم با هدف کلی مسکویه در تضاد است ولی او بعضی از آنها را در کتابش می‌نویسد؛ «از آن روی که انسان این‌گونه رویدادها، و همانند آن را در شمار آرد، و در دل و گمان خویش نگاه دارد، تا در نزد او از دفتر پیش‌آمدها و آنچه روی دادن ماندش را چشم می‌دارد، نیفتد.» (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۵۳)

نگاه مسکویه به تاریخ کارکردگرایانه است. او تاریخ را نه به عنوان علم مستقل، بلکه وسیله‌ای برای آگاه ساختن پادشاهان، وزیران، فرماندهان و دیگر کارگزاران، از تدابیر و ترفندهای گذشته و استفاده از آنها در برخورد با پیش‌آمدهای مشابه آینده می‌داند. شاید انتخاب اسم «سیرالملوک»

یا «سیاست‌نامه» برای کتاب مسکویه بهتر و با مسمی‌تر از «تجارب‌الامم» بود. چون هدف اصلی نویسنده، نشان دادن راه و رسم پادشاهی و نحوه حکومت کردن به حاکمان زمانه‌اش است. به همین دلیل، او بسیاری از حوادث مهم تاریخی را که اکثر مورخان قبلی و بعدی در آثار خودشان آورده‌اند، فرو می‌گذارد و در مقابل، اندرز اردشیر یا زندگی‌نامه خود نوشته انوشیروان و سخنرانی او را که هیچ حادثه تاریخی را وصف نمی‌کند و فقط درباره نحوه حکومت و کشورداری مسائلی را مطرح می‌کند، در کتاب خویش می‌آورد. به نظر می‌رسد، مسکویه تاریخ را بهترین قالب برای بیان دیدگاه‌های سیاسی خود به حاکمان زمانه‌اش تشخیص می‌دهد و حتی احتمالاً در مواردی نظرات خویش را از زبان یکی از پادشاهان بزرگ و موفق قدیمی همچون اردشیر، خسرو انوشیروان بیان می‌کند تا تأثیر بیشتری در پادشاهان معاصرش داشته باشد. این فرض بیشتر از این روی مطرح می‌شود که موضوعاتی همچون اندرز اردشیر در هیچ یک از تاریخ‌های قدیمی همچون طبری که منبع اصلی مسکویه درباره ایران باستان می‌باشد، نیامده است و مینوی آن را بعد از اوستا، قدیمی‌ترین سندی می‌داند که در کتاب تجارب‌الامم آمده است. (نامه تنسر، ۱۳۵۲، مقدمه ۱۹) اینکه مسکویه دیدگاه‌های خویش را از زبان دیگران مطرح کرده یا واقعاً این مطالب را در آثار قدیمی دیده است، نیاز به بررسی و تأمل بیشتری دارد.

بر خلاف ادعای کسانی که مسکویه را همانند ابن خلدون از پیشروان طریقه علمی تاریخ یا در شمار پیشقدمان فلسفه تاریخ قلمداد می‌کنند؛ (زرین‌کوب، ۱۳۷۹، ۷۱) وی تنها در سه صفحه به مسائل نظری تاریخ پرداخته و در آن نیز بیشتر درباره جنبه عبرت‌آموزی تاریخ بحث کرده است. در حالی که ابن خلدون یک جلد از تاریخ خودش را به تبیین و تفسیر مسائل مختلف نظری تاریخ اختصاص داد و تمام آثار مورخان قبلی را به دلیل عدم برخورد انتقادی با مسائل و نپرداختن به موضوعات غیر سیاسی مورد انتقاد قرار داد. او همچنین راه و رسم نوشتن تاریخ درست را به مورخان نشان داد؛ (ابن خلدون، ۱۳۸۲، مقدمه) هر چند خودش در «العبر» از گفته‌های خود پیروی نکرد. در حالی که انتقاد مسکویه از شیوه‌های گذشته تاریخ‌نگاری، تنها به درآمیختن افسانه و تاریخ از سوی مورخان قدیمی ختم شد. البته خودش نیز نتوانست از این امر کاملاً دوری گزیند. حتی در مقدمه کتابش به این موضوع اعتراف کرد: «با این همه، این کتاب از دلنشینگی افسانه‌ها که در آن گونه از گزارش‌هاست و ما آن را رها کرده‌ایم، تهی نباشد» (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۵۳)

#### تاریخ‌نگاری یا شیوه مسکویه در تاریخ‌نویسی

مهمترین ویژگی تاریخ‌نگاری مسکویه که او را از پیشینیان و معاصرانش متمایز کرده است، برخورداری از روح انتقادی و تبیین تعلیلی و تحلیلی تاریخ است. او با اینکه اکثر اطلاعاتش درباره ایران باستان را از طبری اخذ کرده و حتی همچون او، روش سالشماری را برای بیان مطالبش برگزیده است، اما بر خلاف طبری، از شیوه روایی پرهیز کرده و آن را مورد انتقاد قرار داده است.

مسکویه در بیان هر حادثه‌ای، بیش از هر چیز، علل وقوع آن را مورد توجه قرار می‌دهد. برای مثال، در مورد علت نابودی قباد می‌نویسد: «سبب نابودی کوات، دید نادرست، و تباهی آیین و سستی وی در کشورداری بوده است.» (همان، ۱۵۸) وی در مواردی نیز که امکان وقوع رویدادی با عقل سازگار نیست، از بیان خودداری می‌کند. در مورد نمرود می‌گوید: «از اخبار او آنگونه که در خور این کتاب باشد، به ما نرسیده است، جز آنچه مانی گفته است که راست نیست و ما آن را نیآورده‌ایم» (ابوعلی مسکویه، ۱۳۶۹، ۶۱)

شاید چندان پر بی‌راه نباشد که بگوییم مسکویه در استفاده از «قانون مطابقت» پیشرو ابن خلدون بوده است. چون او نیز همچون ابن خلدون، اخبار و اطلاعات موجود در منابع را با عقل مطابقت می‌داد و اگر در درست بودن آنها تردید می‌نمود، از ذکرشان پرهیز می‌کرد. مثلاً او در جایی که از جنگ میان ایران و توران سخن می‌گوید، گفته‌های پارسیان در مورد شمار کشتگان را مطابق عقل ندانسته و از بیان آن صرف‌نظر می‌کند: «پارسیان شمار کشتگان را چندان کلان گفته‌اند که نوشتن آن را خوش نداشته‌ام» (همان، ۷۶)

مسکویه در گزینش و ثبت افسانه‌ها نیز به صورت گزینشی عمل می‌کند. او هر چند در مقدمه اعلام می‌کند که افسانه‌ها را به این دلیل که هیچ پندی از آنها نمی‌توان گرفت، نمی‌نویسد؛ ولی در عمل آنها را که با عقل سازگار هستند یا با اندک جرح و تعدیلی، به صورت واقعی جلوه می‌کنند، ذکر می‌کند اما آنها را که کاملاً افسانه و غیر واقعی می‌نمایند، از تاریخ خود حذف می‌کند. مثلاً او روایت مورخان در مورد دو مار آدم‌خوار در دوش ضحاک را این گونه تغییر داده و به عقل نزدیکتر می‌کند: «بر دوش وی دو زایدۀ گوشتین بر آمده بود که به خواست خود، آنها را چون دو دست خویش می‌جنبانید، و به دروغ می‌گفت که دو ماراند، تا فرودستان و نابخردان از وی بهراسند. آنها را در زیر جامۀ خویش پنهان می‌داشت.» (همان، ۵۸) اما در شرح جنگ کی‌کاووس و توران از ذکر مواردی که کاملاً غیر عادی و افسانه می‌نماید، خودداری می‌کند از جمله: «پارسیان را در اینجا افسانه‌هایی است و پندارند که دیوان به فرمان کی‌کاووس بوده‌اند. برخی پندارند که سلیمان داود بدیشان چنین فرموده بوده است. با افسانه‌های دیگری که ناشدنی است. همچون بردن به آسمان و ساختن گنگ دژ با بارویی از زر و سیم و آهن و مس، و اینکه آن شهر میان آسمان و زمین بوده است...» (همان، ۷۲)

آنچه در تجارب الامم، بیشتر به چشم می‌خورد، سخن از نیرنگها و سیاست‌هایی است که برخی از افراد به کار می‌برند. البته این موضوع قبلاً در مقدمۀ کتاب نیز مطرح می‌شود. این نیرنگها که بیشتر در مورد جنگها و چگونگی غلبه بر دشمن و نیز نحوه کشورداری است، از آن روی مطرح می‌شوند که فرماندهان و امیران آل بویه، به عنوان تجربه و پند، از آنها استفاده کنند.

یکی از ضعف‌های عمده مورخان ایرانی از زمان قدیم تا عصر مشروطه، بی‌توجهی به امور غیر سیاسی و نظامی بوده است. این نقص در کتاب مسکویه نیز به وضوح خود را نشان می‌دهد. او نیز



همانند سایر مورخان، زندگی سیاسی شاهان، وزیران، امیران و دیگر بزرگان حکومت و جنگ و سیاست آنها برای جهانگیری و جهاننداری را در کانون توجه قرار داده و به امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نیز طبقات پایین جامعه توجه نکرده است. بنابراین، می‌توان گفت «تجارب الامم» اسم بی‌مسمایی است که مسکویه بر کتاب خویش گذاشته است؛ چون در آن هیچ توجهی به تجارب توده صورت نگرفته، بلکه تجربه پادشاهان و فرماندهان سپاه گذشته جهت استفاده همگان فعلی و آینده آنها ثبت و ضبط شده است. از این لحاظ بهتر بود اسم کتاب «تجارب الملوک» می‌بود. تجارب الامم، تاریخ عمومی است که رویدادها را از زمان طوفان نوح تا سال ۳۶۹ ه.ق دربرمی‌گیرد. در این کتاب با کمال تعجب، در مورد سه دوره مهم مطلبی نوشته نشده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است: دوران قبل از طوفان نوح، دوره پیامبر اسلام و نیم قرن میان ۳۶۹- سال اتمام مطالب کتاب- تا ۴۲۱ ه.ق- فوت مسکویه- دلیل مسکویه برای نپرداختن به دوره اول، عدم اعتماد به اطلاعات آن دوره، درآمیختن افسانه و تاریخ و به دست نیامدن پند و عبرت از تاریخ دوره مذکور است. در حالی که او در دوره بعد از طوفان نوح، تاریخ را از سلسله‌های اسطوره‌ای پیشدادیان و کیانیان شروع می‌کند.

منابع مسکویه برای نوشتن چنین تاریخی متفاوت بوده است. درباره تاریخ ایران باستان، منبع اصلی مسکویه، تاریخ طبری می‌باشد. مسکویه از این اثر مطالب و رویدادهایی را گزینش و اخذ می‌کند که فایده و پندی از آنها کسب می‌شود. در موادی نیز، افزون بر اطلاعات طبری، مطالبی همچون اندرز اردشیر را از کتب دیگر اقتباس و ثبت می‌کند.

مدح و ثنای حاکمان زمانه، به خصوص آنهایی که آثار تاریخی به دستور ایشان یا برای پیشکشی به آنان نوشته می‌شود، یکی از ویژگی‌های اصلی تاریخ‌نگاری ایرانی است. تقریباً در تمام کتابهای تاریخی، ظلم و ستم و غارتگری پادشاهان خودی فروگذاشته و در مقابل، اقدامات نیک آنها بزرگ جلوه داده می‌شود. در واقع کمتر مورخی از اغراق و چاپلوسی نسبت به حاکم متبوع خود بری می‌ماند. اما مسکویه از جمله نادر مورخانی است که تاریخ خود را در کمال بی‌طرفی نوشته است. او نه تنها از امیران و وزیران آل بویه جانبداری نکرده بلکه نیک و بد خوی و کردارشان را با بی‌طرفی شگرفی باز نموده است.

### نتیجه‌گیری

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، اگر چه مسکویه در تألیف مهمترین اثر تاریخی خود- تجارب الامم- با پرداختن به علل وقوع حوادث، تجزیه و تحلیل آنها بر اساس عقل و منطق، پرهیز از اغراق و چاپلوسی، و نپرداختن به افسانه‌ها و اسطوره‌ها و معجزات که موضوعات ماورای طبیعی هستند و عبرتی را نمیتوان از آنها گرفت، اثر متفاوتی را آفریده است اما در بها دادن به حوادث سیاسی و نظامی و عدم توجه به اجتماع، اقتصاد و فرهنگ، به همان راه پیشینیان رفته و نتوانسته است فاصله

بین دیدگاه‌هایش در مقدمه و عملش در تاریخ‌نویسی را کاملاً از بین ببرد. او هر چند اسم کتابش را تجارب الامم نامیده است و در نگاه نخست از عنوان کتاب چنین بر می‌آید که در مورد تجربه امت-ها و ملت‌های مختلف سخن گفته است اما در متن کتاب تنها به تجربه سیاسی و نظامی پادشاهان، امرا و خلفا پرداخته است و همچون مورخان سلف خویش هیچ اهمیتی به زندگی مردم عادی و طبقات پایین جامعه نکرده است و کتابش بیشتر تجارب ملوک را در برمی‌گیرد. با این حال، ابوعلی مسکویه را به خاطر توجه به علل حوادث و تحلیل علّی و معلولی رویدادها و پرهیز از اغراق و چاپلوسی و نیامیختن افسانه و اسطوره به تاریخ می‌توان از بزرگترین و تأثیرگذارترین مورخان زمانه‌اش دانست.

### منابع و مأخذ

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۸۲)، مقدمه ابن خلدون، ج ۱ و ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم.
۲. ابوسلیمان سجستانی، محمد بن طاهر، (۱۹۷۴م)، صوان الحکمه، به کوشش عبدالرحمن بدوی، تهران.
۳. ابوعلی مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۶۹)، تجارب الامم، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
۴. ابوعلی مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۷۶)، تجارب الامم، ج ۶، ترجمه علینقی منزوی، تهران، انتشارات توس.
۵. امامی، ابوالقاسم، (۱۳۷۹)، «احوال و آثار مسکویه»، مسکویه، زندگی‌نامه، آثار و اندیشه، تهیه‌کننده: گروه تاریخ پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، نشر حوزه و دانشگاه.
۶. بیرونی، ابوریحان، (۱۳۷۰)، الصیدنه، به کوشش عباس زریاب، تهران.
۷. ثعالبی، عبدالملک بن محمد، (۱۳۵۳ ق)، تتمه یتیمه، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران.
۸. حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۵)، تاریخ تمدن اسلام، تهران، اساطیر.
۹. خوانساری اصفهانی، میر سید محمد، (۲۵۳۶)، روضات الجنات فی احوال العلما و السادات، ج ۱، ترجمه مقدمه و اضافات محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۱۰. روزبهانی، محمد رضا، (۱۳۸۵)، زندگی و اندیشه سیاسی ابوعلی مسکویه، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، تاریخ در ترازو: درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، تهران، امی کبیر، چاپ ششم.
۱۲. شوشتری، نورالله، (۱۳۶۵)، مجالس المومنین، تهران.

۱۳. طباطبایی، جواد، (۱۳۸۶)، زوال اندیشه سیاسی در ایران: گفتاری در مبانی نظری انحطاط ایران، تهران، کویر، چاپ هشتم.
۱۴. منتز، آدام، (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران، امیر کبیر.
۱۵. نامه تنسر، (۱۳۵۲)، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
۱۶. نوری، محمد، (۱۳۷۹)، «مقبره ابوعلی مسکویه در اصفهان»، فصل‌نامه حوزه اصفهان، سال اول، دفتر دوم.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی